

توسعه فردی و تحول سازمانی

تعیین و تدوین مولفه‌های موثر در سنجش عملکرد مدارس خلاق در دوره ابتدایی

شیوه استناددهی: حیدری، زهرا، شاطریان، فاطمه، و یوسفی

زهرا حیدری^۱، فاطمه شاطریان^۲، مجید یوسفی افراشته^۳

افراشته، مجید. (۱۴۰۳). تعیین و تدوین مولفه‌های موثر در

سنجش عملکرد مدارس خلاق در دوره ابتدایی. توسعه فردی

و تحول سازمانی، ۲(۴)، ۱۸-۱.

۱. دانشجوی دکتری، گروه روانشناسی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران

۲. استادیار، گروه روانشناسی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران

۳. استادیار، گروه روانشناسی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: fshaterian@yahoo.com

چکیده

تاریخ چاپ: ۳۰ بهمن ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۸ بهمن ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۰ بهمن ۱۴۰۳

تاریخ ارسال: ۳۰ آبان ۱۴۰۳

مطالعه حاضر با هدف تعیین و تدوین مولفه‌های موثر در سنجش عملکرد مدارس خلاق در دوره ابتدایی انجام شد. روش پژوهش کیفی و رویکرد پدیدارشناسی انتخاب گردید. میدان پژوهش را متخصصان و خبرگان حوزه آموزش و پرورش، خلاقیت، رسانه، روانشناسی و سنجش و اندازه‌گیری در استان تهران در سال ۱۴۰۳-۱۴۰۲ تشکیل دادند. ۱۰ مشارکت‌کننده از طریق نمونه‌گیری هدفمند و طی یک فراخوان انتخاب شدند. نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. جهت جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختار یافته استفاده شد. تحلیل داده‌ها براساس روش تحلیل مضمون براون و کلارک (۲۰۱۹) انجام شد. تحلیل نتایج منجر به تولید ۶ مضمون اصلی، ۲۱ مضمون فرعی و ۵۶ مفهوم اولیه شد. ۶ مضمون اصلی شامل «دانش‌آموز خلاق، خانواده خلاق، مدیر خلاق، معلم خلاق، درس خلاقانه و فضای مدرسه خلاق» بود. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که برای سنجش عملکرد مدارس خلاق در دوره ابتدایی، ویژگی‌های دانش‌آموزان، خانواده‌ها، معلمان و فضای مدرسه از اهمیت بالایی برخوردارند. این مولفه‌ها می‌توانند به بهبود روش‌های تدریس و یادگیری در مدارس کمک کنند.

کلیدواژگان: رویکرد پدیدارشناسی عملکرد، مدارس خلاق، مطالعه کیفی.

این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت
دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0)



صورت گرفته است.

Personal Development and Organizational Transformation

Determining and Formulating Effective Components in the Performance Evaluation of Creative Elementary Schools

Zahra Heydari¹, Fatemeh Shaterian^{2*}, Majid Yousefi Afrashteh³

1. PhD Student, Department of Psychology, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran

2. Department of Psychology, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran

3. Assistant Professor, Department of Psychology, University of Zanjan, Zanjan, Iran

*Corresponding Author's Email: fshaterian@yahoo.com

How to cite: Heydari, Z., Shaterian, F., & Yousefi Afrashteh, M. (2024). Determining and Formulating Effective Components in the Performance Evaluation of Creative Elementary Schools. *Personal Development and Organizational Transformation*, 2(4), 1-18.

Submit Date: 20 November 2024

Revise Date: 29 January 2025

Accept Date: 06 February 2025

Publish Date: 18 February 2025



© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Abstract

The present study was conducted with the aim of determining and formulating effective components in the performance evaluation of creative elementary schools. A qualitative research method and a phenomenological approach were selected. The research field consisted of experts and specialists in the domains of education, creativity, media, psychology, and measurement and evaluation in Tehran Province during the 2023–2024 academic year. Ten participants were selected through purposive sampling and a public call. Sampling continued until theoretical saturation was achieved. Data were collected using semi-structured interviews. Data analysis was carried out based on Braun and Clarke's (2019) thematic analysis method. The analysis of the results led to the identification of 6 main themes, 21 sub-themes, and 56 initial concepts. The six main themes included "creative student," "creative family," "creative principal," "creative teacher," "creative curriculum," and "creative school environment." The findings of this study indicate that in evaluating the performance of creative elementary schools, the characteristics of students, families, teachers, and the school environment are of significant importance. These components can contribute to improving teaching and learning methods in schools.

Keywords: *Phenomenological approach, performance evaluation, creative schools, qualitative study.*

مقدمه

دوره ابتدایی به عنوان نخستین مرحله آموزشی در زندگی هر فرد، دارای اهمیت ویژه‌ای است (Dhany & Yulianti, 2025). این دوره، پایه‌گذار یادگیری‌های آینده و اساس شکل‌گیری هویتی اجتماعی، فرهنگی و علمی کودکان به شمار می‌رود (Widodo et al., 2025). در این سنین، کودکان با محیط‌های جدید، متون آموزشی، و تجربیات اجتماعی روبه‌رو می‌شوند و این تعاملات می‌توانند به طور قابل توجهی بر روی رشد اجتماعی و عاطفی آن‌ها تأثیرگذار باشند (Setiani et al., 2025). در واقع، یادگیری در دوره ابتدایی نه تنها شامل ملاحظه‌های علمی و تحصیلی است، بلکه شامل مهارت‌های زندگی، تعاملات اجتماعی، و آموزش ارزش‌ها و اخلاق نیز می‌باشد. بنابراین، کیفیت آموزش و محیط آموزشی در این دوره باید به گونه‌ای باشد که قابلیت پاسخگویی به نیازهای متنوع کودک در حال رشد را داشته باشد (Osello et al., 2025). یکی از ابعاد مهمی که در این دوره باید به آن توجه شود، خلاقیت است. در واقع، خلاقیت به عنوان یک نگرش و شیوه تفکر، می‌تواند به کودکان کمک کند تا به طور مستقل فکر کنند، ایده‌پردازی کنند، و با مشکلات به شیوه‌های نوین و مبتکرانه برخورد کنند (Peleka et al., 2025). فرآیند یادگیری خلاق در دانش‌آموزان، نه تنها آن‌ها را به چالش می‌کشد، بلکه به آنان این امکان را می‌دهد که با تفکر انتقادی و حل مسئله زندگی روزمره خود را بهبود بخشند (Gormley, 2025). در حقیقت، توانایی خلق ایده‌های جدید و استفاده از آن‌ها در پروژه‌های عملی، از مهارت‌های اساسی‌ای است که باید در مدارس ابتدایی مورد توجه ویژه قرار گیرد. محیط‌های آموزشی که خلاقیت را ترویج می‌دهند، تجربه‌های یادگیری را غنی‌تر می‌کنند و به کودکان اجازه می‌دهند تا از توانایی‌های بالقوه خود بهره‌برداری کنند (Song et al., 2025). مدرسه خلاق به عنوان یک مفهوم نوین در نظام آموزشی، به دنبال پرورش خلاقیت و نوآوری دانش‌آموزان از سنین پایین است (Erwina et al., 2025). در این نوع مدارس، روش‌های تدریس با تمرکز بر توانایی‌های ذاتی هر دانش‌آموز طراحی می‌شود و بر تعاملات اجتماعی، تجارب عملی و فعالیت‌های گروهی تأکید می‌شود. این رویکرد به دانش‌آموزان این امکان را می‌دهد تا با یادگیری بر اساس تجربه و پژوهش، توانایی‌های خود را شناسایی و تقویت کنند (Xu et al., 2025). با این حال، برای ارزیابی مؤثر عملکرد این مدارس و سنجش سطح خلاقیت و یادگیری در دانش‌آموزان، ضروری است که مولفه‌های مشخص و دقیقی تدوین گردد. بیان مسئله اینجا نه تنها در شناسایی این مولفه‌ها، بلکه در درک چالش‌های مرتبط با سنجش عملکرد مدارس خلاق نیز قرار دارد. به واقع، سنجش عملکرد در مدارس ابتدایی به دلیل تنوع در مراحل یادگیری و نیازها و ویژگی‌های خاص هر دانش‌آموز، بسیار پیچیده و چندبعدی است (Januar et al., 2025). از یک سو، عملکرد مدارس خلاق نمی‌تواند فقط بر مبنای نتایج آزمون‌های استاندارد مورد سنجش قرار گیرد، چرا که خلاقیت و نوآوری مستلزم فضا و بنیادی متفاوت از یادگیری‌های سنتی است. بنابراین، ایجاد یک مجموعه‌ای از مولفه‌های شامل خلاقیت، تفکر انتقادی، یادگیری مشارکتی و انگیزه یادگیری به عنوان ابعاد اصلی ارزیابی ضروری است (Muzaki et al., 2025). به عنوان مثال، توانایی معلمان در ایجاد محیطی مرکزی و حمایتی که در آن دانش‌آموزان می‌توانند ایده‌های خود را بیان کنند و آزمایش کنند، از عوامل کلیدی در سنجش عملکرد محسوب می‌شود. همچنین، مشارکت خانواده‌ها و جامعه در فرآیند یادگیری و تأثیر آن بر روی انگیزه و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان نیز باید در نظر گرفته شود (Sliwka et al., 2024). از سوی دیگر، استفاده از ابزارهای نوین سنجش مانند پروژه‌های پژوهشی، ارزیابی‌های شفاهی، و مشاهده‌های کلینیکی به معلمان و ارزیابان این امکان را می‌دهد که فراتر از نمرات و داده‌های عددی، به تحلیل واقعی‌تری از عملکرد مدارس خلاق دست یابند. به علاوه، ایجاد یک سیستم بازخورد مستمر و سازنده می‌تواند ابزار قدرتمندی برای شناسایی نقاط قوت و ضعف مدارس باشد و به بهبود مداوم فرآیند آموزشی منجر گردد (Şenol & Karaca, 2025). یکی دیگر از جنبه‌های قابل توجه در این زمینه، توجه به

جنبه‌های عاطفی و اجتماعی یادگیری است. مدارس خلاق باید فضایی را فراهم کنند که در آن دانش‌آموزان نه تنها در مهارت‌های شناختی بلکه در مهارت‌های اجتماعی و عاطفی نیز توسعه یابند. این ابعاد به ویژه در دوره ابتدایی که پایه‌گذاری شخصیت و ظرفیت‌های اجتماعی یک فرد صورت می‌گیرد، بسیار حیاتی است (Mustoip et al., 2024). در دنیای پرشتاب امروز، نظام‌های آموزشی به طور مداوم در حال تغییر و تحول هستند تا بتوانند به نیازهای متنوع یادگیرندگان پاسخ دهند. با این حال، یکی از خلأهای پژوهشی قابل توجه در زمینه آموزش خلاق، فقدان مطالعات جامع و سیستماتیک درباره تأثیرات متقابل محیط‌های آموزشی خلاق و یادگیری اجتماعی است.

در حالی که پژوهش‌های زیادی به تبیین اهمیت خلاقیت در فرایند یاددهی و یادگیری پرداخته‌اند، اما هنوز درک عمیقی از نحوه تعامل عوامل محیطی، اجتماعی و عاطفی با یادگیری خلاق وجود ندارد. بررسی این ابعاد نه تنها می‌تواند به طراحی بهینه‌تری از محیط‌های آموزشی منجر شود، بلکه به معلمان و مسئولین آموزشی کمک می‌کند تا از چالش‌هایی که ممکن است در فرآیندهای یادگیری با آن‌ها مواجه شوند، آگاه شوند و راه‌حل‌های موثر را پیاده‌سازی کنند. علاوه بر این، نیاز به درک بهتر از الگوهای ارزشیابی و سنجش عملکرد در مدارس خلاق نیز یک خلأ پژوهشی مهم است. بسیاری از نظام‌های آموزشی همچنان به ارزیابی‌های سنتی و نمره‌محور وابسته‌اند که نمی‌تواند به درستی و دقت توانایی‌های خلاقانه و نوآورانه دانش‌آموزان را نشان دهد (Barton et al., 2024). پژوهش‌های موجود در این زمینه معمولاً محدود به بررسی تکنیک‌های خاصی هستند و در نهایت نتایج کلی و جامعی را ارائه نمی‌دهند. بر این اساس، پژوهش‌های آینده باید به توسعه ابزارهای سنجش نوین و چندجانبه پرداخته و تلاش کنند تا به طور کامل تأثیر خلاقیت، مشارکت اجتماعی و انگیزه یادگیری را در این ابزارها لحاظ کنند. در نهایت، یکی دیگر از حوزه‌های پژوهشی که نیاز به بررسی بیشتر دارد، بررسی نقش معلمان در پیاده‌سازی رویکردهای آموزشی خلاق است. با وجود اینکه تحقیقات زیادی درباره اهمیت نقش معلمین در فرآیند یاددهی و یادگیری وجود دارد، اما هنوز اطلاعات دقیقی در مورد تجهیز معلمان به مهارت‌های لازم برای ایجاد محیط‌های آموزشی خلاق و چالش‌هایی که آن‌ها ممکن است با آن‌ها روبرو شوند در دسترس نیست. تأثیر آموزش‌های ضمن خدمت، بهبود مهارت‌های ارتباطی و توانمندسازی معلمان برای تسهیل یادگیری خلاق در پژوهش‌های آتی باید به طور جدی مدنظر قرار گیرد. این تحقیقات می‌توانند به تقویت سرمایه انسانی در نظام‌های آموزشی و در نهایت به بهبود کیفیت یادگیری دانش‌آموزان بینجامد. در مجموع، پر کردن این خلأهای پژوهشی می‌تواند به ما در درک بهتر چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی مدارس خلاق کمک کند و باعث ارتقاء کیفی نظام‌های آموزشی گردد. این امر نه تنها به دانش‌آموزان این امکان را می‌دهد که خلاقیت و نوآوری خود را پرورش دهند، بلکه نظام آموزشی را نیز به سمت تحول و بهبود مستمر سوق می‌دهد. بنابراین هدف از پژوهش حاضر تعیین و تدوین مولفه‌های موثر در سنجش عملکرد مدارس خلاق در دوره‌ی ابتدایی بود.

روش‌شناسی

روش این مطالعه با توجه به ماهیت پرسش پژوهش، کیفی با رویکرد پدیدارشناسی است که آن به تجارب مشترک متخصصان و خبرگان حوزه آموزش و پرورش، خلاقیت، رسانه، روانشناسی و سنجش و اندازه‌گیری از یک پدیده (عملکرد مدارس خلاق) پرداخته شد. به منظور انجام تجزیه و تحلیل داده‌ها روش تحلیل مضمون انتخاب شد؛ زیرا این روش امکان کاوش و تحلیل الگوهای درون داده‌ها (Braun & Clarke, 2006, 2019) و سازمان‌دهی در قالب جزئیات بیشتر در بطن داده‌ها را فراهم می‌آورد (Thomas & Harden, 2008). جامعه این پژوهش را متخصصان و خبرگان حوزه آموزش و پرورش، خلاقیت، رسانه، روانشناسی و سنجش و اندازه‌گیری در استان تهران در سال ۱۴۰۳-۱۴۰۲ تشکیل دادند. ۱۰ مشارکت‌کننده به روش نمونه‌گیری هدفمند و با حداکثر گوناگونی (متخصصان و خبرگان حوزه

آموزش و پرورش، خلاقیت، رسانه، روانشناسی و سنجش و اندازه‌گیری) وارد پژوهش شدند. ملاک‌های ورود، درمانگران دارای مدرک کارشناسی ارشد یا دکتری بودند که دارای حداقل ۵ سال تجربه فعالیت در حوزه آموزش و پرورش باشند و تمایل به همکاری داشته باشند. ملاک خروج از پژوهش نیز، عدم تمایل به ادامه همکاری بود. همچنین در مسیر نمونه‌گیری نظری، از سؤالات هدایت‌کننده بیشتری برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد و زمانی که اطلاعات شرکت‌کنندگان تکرار شدند و یافته جدیدی اضافه نشد (مرحله اشباع نظری)، فرایند نمونه‌گیری متوقف شد.

در این پژوهش برای گردآوری اطلاعات از روش مصاحبه نیمه ساختاریافته به‌عنوان یکی از روش‌های متداول در طرح‌های کیفی استفاده شد. بدین منظور، پس از کسب کد اخلاق از کمیته اخلاق IR.IAU.ARAK.REC.1403.223 مراحل اجرایی به این صورت آغاز گردید که در ابتدا راهنمای مصاحبه بر اساس اهداف پژوهش تهیه شد و سپس به‌صورت هدفمند با متخصصان و خبرگان حوزه آموزش و پرورش، خلاقیت، رسانه، روانشناسی و سنجش و اندازه‌گیری که علاوه بر واجد بودن معیارهای موردنظر، رضایت خود را مبنی بر شرکت در پژوهش اعلام کرده بودند، با هماهنگی و وقت قبلی مصاحبه‌ها اجرا شدند. در راستای ملاحظات اخلاقی، پیش از اجرای هر مصاحبه توضیحاتی درباره اهداف و کاربردهای آتی نتایج پژوهش، اطمینان بخشی در مورد حفظ حریم خصوصی و هویت شرکت‌کنندگان و جلب رضایت برای ضبط صدا انجام شد. لذا مصاحبه‌ها با کسب اجازه از هر شرکت‌کننده به‌طور کامل ضبط شدند. مصاحبه‌ها با سؤالات کلی همچون «از نگاه شما مؤثرترین عواملی که تدریس و آموزش را به سمت روش‌های نوین و خلاقانه می‌برد چیست؟» و «چه عواملی می‌تواند در محیط مدرسه باشد که تغییرات و خلاقیت در آن به گرایش و تمایل دانش‌آموز برای یادگیری کمک بیشتری کند؟» شروع شدند. همچنین از سؤالات کاوشی به‌منظور رسیدگی بیشتر به ابعاد مختلف مسئله پژوهش استفاده شد؛ برای نمونه برای عمق بخشیدن به مطالب مطرح‌شده از سؤالی مانند «می‌توانید در این باره توضیح بیشتری بفرمایید یا مثالی بنید؟» و برای وسعت بخشیدن به سایر ابعاد موضوع، از سؤالی مانند «چه موارد دیگری وجود دارند؟» استفاده شد و ادامه روند مصاحبه برحسب موضوعات پیش‌آمده تعیین شدند. زمان صرف شده برای مصاحبه‌ها حداقل ۴۰ دقیقه و حداکثر ۹۰ دقیقه بود.

به‌منظور عملیاتی کردن تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها، از روش شش مرحله‌ای تحلیل تماتیک انعکاسی براون و کلارک (۲۰۱۹) استفاده شد. طبق این روش، پس از انجام مصاحبه و پیاده‌سازی مصاحبه بر روی کاغذ، چندین مرتبه متن خوانده شد و در ادامه خواندن یافته‌های مهم هر مصاحبه و هم‌احساس شدن با افراد مشارکت‌کننده به‌منظور درک آن‌ها، استخراج جملات مهم در رابطه با پدیده مورد مطالعه، دادن مفاهیم خاص به جمالت استخراج‌شده (فرمول‌بندی)، دسته‌بندی مفاهیم مشترک به‌دست‌آمده، رجوع به مطالب اصلی و مقایسه ایده‌ها و ترکیب آن‌ها، توصیف نهایی پدیده مورد مطالعه و درنهایت بازگردانی توصیف پدیده‌ها به مشارکت‌کنندگان در راستای معتبرسازی نتایج انجام شد. شایان‌ذکر است که در بخش بررسی استحکام نتایج، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین فنون باورپذیری، از فن بازبینی توسط شرکت‌کنندگان استفاده شد. به‌علاوه از فن ناظر خارجی نیز بهره گرفته شد. به این ترتیب، کدهای استخراجی و مضامین به‌طور پیوسته در اختیار یکی از افرادی که در زمینه پژوهش کیفی تجربه داشت، قرار گرفتند و همچنین نظرات سه متخصص این حوزه که در پژوهش شرکت نداشتند پیرامون مضامین استخراج شد. این در حالی است که در سراسر پژوهش، اعضای گروه در راستای بررسی یافته‌ها و صحت کدگذاری، جلساتی را به‌طور منظم برگزار می‌کردند. به‌منظور عملیاتی کردن تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها، از روش شش مرحله‌ای تحلیل تماتیک انعکاسی براون و کلارک (۲۰۱۹) استفاده شد. طبق این روش، پس از انجام مصاحبه و پیاده‌سازی مصاحبه بر روی کاغذ، چندین مرتبه متن خوانده شد و در ادامه خواندن یافته‌های مهم هر

مصاحبه و هم احساس شدن با افراد مشارکت‌کننده به‌منظور درک آن‌ها، استخراج جملات مهم در رابطه با پدیده مورد مطالعه، دادن مفاهیم خاص به جملات استخراج‌شده (فرمول‌بندی)، دسته‌بندی مفاهیم مشترک به‌دست‌آمده، رجوع به مطالب اصلی و مقایسه ایده‌ها و ترکیب آن‌ها، توصیف نهایی پدیده مورد مطالعه و درنهایت بازگردانی توصیف پدیده‌ها به مشارکت‌کنندگان در راستای معترس‌سازی نتایج انجام شد. همچنین به جهت مدیریت و افزایش دقت، تحلیل داده‌ها در محیط نرم‌افزار مکس کیودا نسخه ۲۰ انجام شد. پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها در نرم‌افزار، روخوانی و بررسی آن‌ها آغاز شدند تا یک اشراف نسبی از داده‌ها حاصل گردد. سپس کدگذاری باز انجام شد. و بر اساس میزان شباهت و تفاوت، کدها با یکدیگر مقایسه شدند و مضامین به‌تدریج شکل گرفتند. شایان‌ذکر است که در بخش بررسی استحکام نتایج، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین فنون باورپذیری از فن بازبینی توسط شرکت‌کنندگان استفاده شد. به‌علاوه از فن ناظر خارجی نیز بهره گرفته شد. به‌این‌ترتیب، کدهای استخراجی و مضامین به‌طور پیوسته در اختیار یکی از افرادی که در زمینه پژوهش کیفی تجربه داشت، قرار گرفتند و همچنین نظرات سه متخصص این حوزه که در پژوهش شرکت نداشتند پیرامون مضامین استخراج شد. این در حالی است که در سراسر پژوهش، اعضای گروه در راستای بررسی یافته‌ها و صحت کدگذاری، جلساتی را به‌طور منظم برگزار می‌کردند.

یافته‌ها

با توجه به اطلاعات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان جدول (۱)، از میان ۱۰ نفر از متخصصان و خبرگان حوزه آموزش و پرورش، خلاقیت، رسانه، روانشناسی و سنجش و اندازه‌گیری، تعداد ۵ زن و ۵ مرد حضور داشتند. ۸ نفر دارای مدرک دکتری و ۲ نفر مدرک کارشناسی ارشد داشتند که از این میان ۸ نفر در حوزه آموزش و پرورش و ۲ نفر در حوزه سنجش و اندازه‌گیری بودند.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

کد	حوزه‌ی همکاری با طرح	تحصیلات	حوزه‌ی فعالیت	جنسیت
۱	بررسی محتوای آموزشی	دکتری علوم آموزشی و تربیتی	آموزش و پرورش مدرس دانشگاه فرهنگیان	مرد
۲	بررسی محتوای آموزشی	دکتری فلسفه	آموزش و پرورش مدرس دانشگاه	زن
۳	بررسی محتوای آموزشی	ارشد مدیریت آموزشی	آموزش و پرورش — خلاقیت و رویکردهای نوین	زن
۴	بررسی محتوای آموزشی	دکتری علوم آموزشی	آموزش و پرورش، مؤلف و ناظر کتاب‌های درسی	مرد
۵	بررسی محتوای آموزشی	دکتری مدیریت آموزشی	آموزش و پرورش — خلاقیت و رویکردهای نوین	زن
۶	بررسی محتوای آموزشی	دکتری تکنولوژی آموزشی	تدریس دانشگاه، آموزش و پرورش	مرد
۷	بررسی محتوای آموزشی	ارشد علوم تربیتی	آموزش و پرورش — خلاقیت و رویکردهای نوین	زن
۸	بررسی تکنیک‌های ابزارسازی	دکتری روانشناسی بالینی	تدریس مشاوره و روانشناسی	مرد
۹	بررسی تکنیک‌های ابزارسازی	دکتری روان‌سنجی	سنجش و اندازه‌گیری	مرد
۱۰	بررسی تکنیک‌های ابزارسازی	دکتری روانشناسی تربیتی	سنجش و اندازه‌گیری	زن

در ادامه با تحلیل مصاحبه‌ها در راستای سنجش عملکرد مدارس خلاق در دوره ابتدایی ۶ مضمون اصلی «دانش‌آموز خلاق، خانواده خلاق، مدیر خلاق، معلم خلاق، درس خلاقانه و فضای مدرسه خلاق» حاصل شد. دانش‌آموز خلاق در مطالعه حاضر دانش‌آموز خلاق به کسی اطلاق می‌شود که توانایی تفکر نوآورانه و حل مسائل را دارد، و می‌تواند ایده‌های جدید را به شیوه‌ای جذاب و مبتکرانه بیان کند. این مضمون شامل ۵ مضمون فرعی «خلاقیت، انگیزه یادگیری، باورهای شناختی - فکری، رفتاری عملکردی و مزاج عمومی شناختی» است، خانواده خلاق در مطالعه حاضر به خانواده‌ای اطلاق می‌شود که اعضای آن با تشویق یکدیگر به ابراز خلاقیت و نوآوری می‌پردازند. این مضمون در ۳ مضمون فرعی «جو عاطفی خانواده، سبک فرزند پروری والد دانش‌آموز و نگرش‌های نوین والدین» است. مدیر خلاق در مطالعه حاضر به

کسی اطلاق می‌شود که با استفاده از تفکر نوآورانه و رویکردهای غیرمتعارف، تیم یا سازمان را به‌سوی تحقق ایده‌های جدید و حل مسائل پیچیده هدایت می‌کند و شامل ۳ مضمون فرعی «توسعه خلاقیت در معلمان، نگاه خلاقانه و سبک مدیریتی» است. معلم خلاق در مطالعه حاضر به کسی اطلاق می‌شود که توانایی ایجاد انگیزه و تفکر ابتکاری در دانش‌آموزان را دارد. او از روش‌های نوآورانه و متنوع برای تدریس استفاده می‌کند تا یادگیری را شیرین و جذاب‌تر سازد. این مضمون شامل ۴ مضمون فرعی «دانش و مهارت حرفه‌ای، تیپ شخصیتی، ارتباط مؤثر با دانش آموز و فرهنگ خلاق» است. درس خلاقانه در مطالعه حاضر به معنای استفاده از روش‌ها و فعالیت‌های نوآورانه در یاددهی و یادگیری است که به دانش‌آموزان فرصت می‌دهد تا با تفکر مستقل، همکاری و حل مسئله درگیر شوند. این مضمون شامل ۳ مضمون فرعی «اهداف محتوایی درس، فعالیت‌های یاددهی - یادگیری و مواد و منابع آموزشی» است. فضای مدرسه خلاق در مطالعه حاضر به محیطی اطلاق می‌شود که در آن یادگیری به شیوه‌های نوآورانه و متنوع انجام می‌شود. این فضا به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد تا خلاقیت، تفکر انتقادی و کار گروهی را پرورش دهند. این مضمون شامل ۳ مضمون فرعی «محیط بصری خلاق، شاداب سازی و وسعت فیزیکی محیط» است. سپس در ادامه هر یک از مضامین اصلی و فرعی، به همراه برخی از نقل قول شرکت‌کننده‌ها توصیف شده‌اند.

جدول ۲. مضامین فراگیر، اصلی و فرعی مؤلفه‌های مؤثر در سنجش عملکرد مدارس خلاق در دوره‌ی ابتدائی

مضمون اصلی	مضامین فرعی	مفاهیم اولیه
دانش آموز خلاق	خلاقیت	سیالی، انعطاف‌پذیری، ابتکار، بسط جزئیات
	انگیزه یادگیری	استنباط، مشارکت، اکتشاف، بسط یادگیری، ارزیابی
	باورهای شناختی-فکری	توسعه تفکر انتقادی، ترغیب خلاقیت
	رفتاری عملکردی	مشارکت فعال در یادگیری، توانایی حل مسئله
خانواده خلاق	مزاج عمومی شناختی	اجتماعی/خجالتی - هیجانی/غیر هیجانی - فعال / غیرفعال
	جو عاطفی خانواده	پرمهر و گرم - خشک و رسمی - سرد و بی تفاوت
	سبک فرزند پروری والدین	سهل گیر - سخت گیر - مقتدر
	نگرش‌های نوین والدین	پشتیبانی از یادگیری، توجه به تنوع یادگیری
مدیر خلاق	توسعه خلاقیت در معلمان	توانمندسازی
	نگاه خلاقانه	برنامه‌ریزی، تعیین چشم‌انداز
	سبک مدیریتی	شایسته‌گزینی، مدیریت منابع، تصمیم‌گیری
	دانش و مهارت‌های حرفه‌ای	فناوری آموزشی، مدیریت کلاس درس
معلم خلاق	شخصیت معلم (تیپ شخصیتی)	انگیزه و اشتیاق، انعطاف‌پذیری و سازگاری
	ارتباط مؤثر با دانش‌آموز	گستره‌ای از همدلی، گفت‌وگوی فعال
	فرهنگ خلاق در معلم	مشارکت - استقبال از خلاقیت - روحیه پژوهشگری - آزاداندیشی و عمل
	اهداف محتوایی درس	ارزش‌های فرهنگی و دینی، ارزش علمی، مهارت افزایشی متناسب نیاز حال و آینده
درس خلاقانه	فعالیت‌های یاددهی - یادگیری	محرك گرایش‌های فطری (از فعل به قوه)، تعامل خلاق با محیط
	مواد و منابع آموزشی	کنفرانس‌ها و سمینارها، مقالات
	محیط بصری خلاق	نشاط
	شاداب سازی	نور، رنگ، فضای سبز
فضای مدرسه خلاق	وسعت فیزیکی محیط	فضاهای چندمنظوره، محیط‌های حاوی تکنولوژی

مضمون اصلی اول: دانش آموز خلاق: در جمع‌آوری نظرات مشارکت‌کنندگان، به اهمیت خلاقیت در یادگیری و آموزش پرداخته شده است. بسیاری از آنان بر این نکته تأکید کردند که دانش‌آموزان خلاق می‌توانند با دیدگاه‌های جدید به مسائل نگاه کنند و راه‌حل‌هایی منحصر به فرد ارائه دهند. «اجازه دادن به دانش‌آموزان برای بیان ایده‌های خودشان، نه تنها خلاقیت‌شان را شکوفا می‌کند، بلکه موجب ایجاد حس مالکیت و

مسئولیت نسبت به یادگیری هم می‌شه» (شرکت کننده شماره ۲). «خلاقیت در آموزش به معلمان این امکان را می‌ده که به جای انتقال صرف اطلاعات، فضایی را فراهم کنند که دانش‌آموزا بتونن به کشف و تجربه بپردازن» (شرکت کننده شماره ۱۰).

مضمون فرعی اول: خلاقیت: به زعم شرکت کنندگان این پژوهش، سیالی، انعطاف‌پذیری، ابتکار، بسط جزئیات از خلاقیت ناشی می‌شود و می‌توانند به شکل‌گیری خلاقیت در دانش‌آموزان کمک کنند. «خلاقیت نه تنها به دانش و اطلاعات وابسته هستش، بلکه نیازمند حرکت و تفکر سیال هم هست» (شرکت کننده شماره ۵). «انعطاف‌پذیری به دانش‌آموز این امکان را می‌ده که از ارزیابی‌های مختلف و تجربیات گوناگون استفاده کنه و در نتیجه، خلاقیت خود را به نحو مطلوب‌تری بروز بده» (شرکت کننده شماره ۳). «یادگیری درخشان و خلاقیت در دانش‌آموزا زمانی شکوفا می‌شه که اونها بتونن ایده‌های جدید را با ابتکار خودشون توسعه بدن و بسط بدن. این فرایند نه تنها به اونها کمک می‌کنن تا فکر کنن، بلکه موجب شکل‌گیری دیدگاه‌های نوآورانه هم میشه» (شرکت کننده شماره ۹).

مضمون فرعی دوم: انگیزه و یادگیری: به رغم شرکت کنندگان در این پژوهش، استنباط، مشارکت، اکتشاف، بسط یادگیری، ارزیابی از انگیزه و یادگیری ناشی می‌شوند و می‌توانند به شکل‌گیری خلاقیت در دانش‌آموزان کمک کنند. «استنباط مهارتیه که به ما اجازه می‌ده از تجربیات و شواهد، حقایق جدید استخراج کنیم» (شرکت کننده شماره ۶). «مشارکت فعالانه باعث می‌شه که هر فرد بخشی از روند یادگیری را به عهده بگیره و ایده‌های جدید به وجود بیاره» (شرکت کننده شماره ۳). «اکتشاف به ما این امکان را می‌ده که با سوالات جدید دنیای اطراف خود را بهتر بشناسیم» (شرکت کننده شماره ۱۰). «بسط یادگیری کمک می‌کنه تا از دانش اولیه فراتر بریم و به عمق مفاهیم برسیم» (شرکت کننده ۴). «یک ارزیابی مؤثر، می‌تونه مسیر خلاقیت و نوآوری را در دانش‌آموزان هموار کنه» (شرکت کننده شماره ۲).

مضمون فرعی سوم: باورهای شناختی - فکری: به رغم شرکت کنندگان در این پژوهش، توسعه تفکر انتقادی و ترغیب خلاقیت ناشی می‌شوند و می‌توانند به شکل‌گیری خلاقیت در دانش‌آموزان کمک کنند. «یک ذهن انتقادی به ما کمک می‌کنه تا از عادت‌های فکری خود فراتر بریم و به راه‌حل‌های بهتری دست پیدا کنیم» (شرکت کننده شماره ۱). «ایده‌های بزرگ از دل تخیل میان؛ خلاقیت یعنی پیدا کردن ارتباطات غیرمنتظره» (شرکت کننده شماره ۵).

مضمون فرعی چهارم: رفتاری عملکردی: به رغم شرکت کنندگان در این پژوهش، مشارکت فعال در یادگیری و توانایی حل مسئله ناشی می‌شوند و می‌توانند به شکل‌گیری خلاقیت در دانش‌آموزان کمک کنند. «حل مسئله هنریه که فقط با مشارکت فعال و تفکر انتقادی به دست میاد؛ باید یاد بگیریم که چطوری به سؤال‌های درست پاسخ بدیم» (شرکت کننده شماره ۷). «حل مسئله نیازمند نگاهی خلاقانه است؛ این خلاقیت را می‌شه با یادگیری فعال و تجربیات جدید تقویت کرد» (شرکت کننده شماره ۱۰).

مضمون فرعی پنجم: مزاج عمومی شناختی: به رغم شرکت کنندگان در این پژوهش، اجتماعی / خجالتی - هیجانی / غیر هیجانی - فعال / غیر فعال ناشی می‌شوند و می‌توانند به شکل‌گیری خلاقیت در دانش‌آموزان کمک کنند. «اجتماعی بودن به دانش‌آموز کمک می‌کنه تا دنیا را از چشم‌های دیگران ببینه» (شرکت کننده شماره ۶). «باید دانش‌آموزا یاد بگیرن که که احساساتشون را مدیریت کنن؛ نه اینکه اجازه بدن توسط هیجانات و احساساتشون کنترل بشن که همه اینها در بروز خلاقیت موثره» (شرکت کننده شماره ۲). «غیر فعال بودن می‌تونه آرامش را به همراه بیاره، اما ممکنه فرصتی برای رشد را از دست بده» (شرکت کننده شماره ۹). «فعال بودن مثل دونه است که وقتی تو خاک کاشته بشه میرویه؛ باعث شکوفا شدن خلاقیت میشه» (شرکت کننده شماره ۴).

مضمون اصلی دوم: خانواده خلاق: از نگاه مشارکت کنندگان، عملکرد مدارس خلاق ارتباطی عمیق با مفهوم «خانواده خلاق» دارد. یکی از شاخص‌های کلیدی در این زمینه، تعامل نزدیک بین خانواده و مدرسه است که می‌تواند به ارتقای حساسیت نسبت به خلاقیت و یادگیری متنوع کمک کند. این خانواده‌ها با رویکردهای نوآورانه به تربیت فرزندان خود، نه تنها به تقویت خلاقیت آنان کمک می‌کنند، بلکه به مدرسه نیز انگیزه می‌دهند تا روش‌های تدریس خود را گسترش دهد. «مدارس خلاق به گسترش تعاملات اجتماعی میان دانش‌آموزان، معلمان و والدین مرتبط هستند. این مدارس به والدین فرصتی می‌دهد تا در فرآیند یادگیری فرزندان خود مشارکت کنند و به ایجاد یک جامعه یادگیرنده کمک کنند» (شرکت کننده شماره ۷). «والدین با مشارکت فعال در فعالیتهای مدرسه و برنامه‌های مختلف، می‌توانند به تقویت روحیه همکاری و همبستگی در جامعه آموزشی کمک کنند» (شرکت کننده شماره ۵).

مضمون فرعی اول: جو عاطفی خانواده: به رغم شرکت کنندگان در این پژوهش، پر مهر و گرم، خشک و رسمی، سرد و بی تفاوت بودن والدین می‌تواند به شکل‌گیری مدارس خلق کمک کنند. «محیطی که در آن عشق و حمایت وجود دارد، خلاقیت را تشویق می‌کند» (شرکت کننده شماره ۳). «سخت‌گیری و قواعد سرسخت، می‌تونه به خلاقیت آسیب بزنه» (شرکت کننده شماره ۶). «عدم توجه و بی‌تفاوتی می‌تونه باعث محدود شدن افق‌های فکری دانش‌آموزا بشه» (شرکت کننده شماره ۹).

مضمون فرعی دوم: سبک فرزندپروری والدین: به رغم شرکت کنندگان در این پژوهش، سهل‌گیری، سخت‌گیری و اقتدار والدین در سبک فرزند پروری می‌تواند به شکل‌گیری مدارس خلق کمک کنند. «سهل‌گیری به کودکان این اجازه را می‌دهد که به عکس‌العمل‌های غیرمنتظره جواب بدن و تصورات خودشان را به واقعیت تبدیل کنند» (شرکت کننده شماره ۱۰). «والدینی که در سبک فرزندپروری خود سخت‌گیر هستند، معمولاً انتظارات بالایی دارند و به استانداردها اهمیت می‌دهند» (شرکت کننده شماره ۵). «اقتدار والدین، باعث می‌شود که کودکان احساس آرامش کنند و به راحتی ایده‌های جدیدشان را ابراز کنند» (شرکت کننده شماره ۷).

مضمون فرعی سوم: نگرش‌های نوین والدین: به رغم شرکت کنندگان در این پژوهش، پشتیبانی از یادگیری، توجه به تنوع یادگیری در نگرش‌های نوین والدین می‌تواند به شکل‌گیری مدارس خلق کمک کنند. «پشتیبانی مؤثر از یادگیری نه تنها به دانش‌آموز اعتماد به نفس می‌دهد، بلکه اونها رو در مسیر موفقیت همراهی می‌کند» (شرکت کننده شماره ۶). «تنوع یادگیری به ما این امکان را می‌دهد که هر دانش‌آموز را به‌عنوان یک فرد منحصر به فرد بشناسیم و راه‌حل‌های مناسب برای شکوفایی استعدادهای او پیدا کنیم» (شرکت کننده شماره ۴). «والدین با نگرش‌های نوین می‌توانند به عنوان حامیان و مشاوران آموزشی، نقشی اساسی در پیشرفت تحصیلی فرزندان خود ایفا کنند» (شرکت کننده شماره ۱۰).

مضمون اصلی سوم: مدیر خلاق: از نگاه مشارکت کنندگان مدیر خلاق ارتباط عمیقی با مدارس خلاق در دوره ابتدایی دارد. مدیر خلاق در مدارس ابتدایی به عنوان یک عامل کلیدی در ایجاد محیطی پویا و الهام‌بخش شناخته می‌شود. از دیدگاه مشارکت‌کنندگان، این نوع مدیریت به تقویت خلاقیت و نوآوری در بین دانش‌آموزان و معلمان کمک می‌کند. ارتباط عمیق مدیر با اصول خلاقیت سبب می‌شود که او بتواند فضایی فراهم کند که در آن دانش‌آموزان بدون ترس از قضاوت، ایده‌های جدید خود را مطرح کنند و یادگیری را به طور فعال تجربه کنند. «مدیر خلاق به ما اجازه می‌دهد که اشتباه کنیم و از آن یاد بگیریم، این برای ما بسیار ارزشمند است» (شرکت کننده شماره ۵). «فضای آموزشی که مدیر فراهم کرده است، دانش‌آموزا رو ترغیب می‌کند تا ایده‌هاشان را با شجاعت بیان کنند» (شرکت کننده شماره ۳).

مضمون فرعی اول: توسعه خلاقیت در معلمان: به رغم شرکت کنندگان در این پژوهش، توانمندسازی می‌تواند به شکل‌گیری مدارس خلق کمک کنند. «توانمندسازی معلمان، کلید موفقیت در ایجاد محیط‌های آموزشی خلاق است» (شرکت کننده شماره ۱). «مدارس خلاق از طریق

تقویت اعتماد به نفس و استقلال دانش‌آموزان شکل می‌گیرند» (شرکت کننده شماره ۴). «فرآیند توانمندسازی نه تنها بر یادگیری اثرگذار است، بلکه موجب ارتقاء تفکر خلاق در دانش‌آموزان می‌شود» (شرکت کننده شماره ۲).

مضمون فرعی دوم: نگاه خلاقانه: به رغم شرکت کنندگان در این پژوهش، برنامه ریزی، تعیین چشم انداز می‌تواند به شکل‌گیری مدارس خلق کمک کند. «برنامه‌ریزی صحیح، نقشه راهی است که مدرسه خلاق را به سوی آینده‌ای روشن هدایت می‌کند» (شرکت کننده شماره ۶). «چشم‌انداز مشخص، منابع لازم برای نوآوری و خلاقیت را فراهم می‌کند و همه اعضای مدرسه را به یک هدف مشترک پیوند می‌دهد» (شرکت کننده شماره ۱۰).

مضمون فرعی سوم: سبک مدیریتی: به رغم شرکت کنندگان در این پژوهش، شایسته‌گزینی، مدیریت منابع، تصمیم‌گیری می‌تواند به شکل‌گیری مدارس خلق کمک کند. «شایسته‌گزینی در فرآیند استخدام و انتخاب افراد مناسب، می‌تونه منجر به ایجاد یک تیم قوی و متعهد در مدارس خلاق بشه» (شرکت کننده شماره ۵). «مدیریت منابع بهینه و مؤثر، به مدارس کمک می‌کند تا از امکانات و تجهیزات خود بهترین بهره را ببرند و فضای آموزشی خلاقانه‌تری ایجاد کنند» (شرکت کننده شماره ۹). «تصمیم‌گیری هوشمندانه و مبتنی بر داده‌ها، می‌تواند به تحولی در پویایی آموزشی مدارس خلاق منجر بشه و فرصت‌های بیشتری برای یادگیری فراهم بکند» (شرکت کننده شماره ۲).

مضمون فرعی اصلی چهارم: معلم خلاق: از نگاه مشارکت کنندگان معلم خلاق نیز ارتباط عمیقی با مدارس خلاق در دوره ابتدایی دارد. معلمان خلاق در مدارس ابتدایی نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند. این معلمان با استفاده از نوآوری در روش‌های تدریس، می‌توانند فرایند یادگیری را جذاب‌تر و موثرتر کنند. آن‌ها به دانش‌آموزان این امکان را می‌دهند که به صورت فعال در یادگیری خود شرکت کنند و اعتماد به نفس و خلاقیت را در آن‌ها تقویت کنند. «معلمان خلاق با الهام‌بخشی و ایجاد محیطی حمایتی، زمینه‌ساز رشد و شکوفایی دانش‌آموزان در مدارس ابتدایی خلاق هستند» (شرکت کننده شماره ۷). «یک معلم خلاق نه تنها دانش را منتقل می‌کند، بلکه راهی برای کشف و خلق دانش جدید فراهم می‌کند» (شرکت کننده شماره ۳). «مدارس خلاق به معلمانی نیاز دارند که بتونن الهام‌بخش و رهبری کنن» (شرکت کننده شماره ۸).

مضمون فرعی اول: دانش و مهارت‌های حرفه‌ای: به رغم شرکت کنندگان در این پژوهش، تکنولوژی آموزشی، مدیریت کلاس درس می‌تواند به شکل‌گیری مدارس خلق کمک کنند. «تکنولوژی آموزشی می‌تونه به معلمان این امکان را بده که نحوه یادگیری دانش‌آموزان را شخصی‌سازی کنند و خلاقیت را در محیط کلاس ارتقا بدن» (شرکت کننده شماره ۷). «مدیریت کلاس درس، کلید موفقیت یک مدرسه خلاقه؛ زیرا معلم باید فضایی را ایجاد کند که در آن دانش‌آموزا بتونن آزادانه ایده‌های خودشون رو بیان کنن» (شرکت کننده شماره ۵).

مضمون فرعی دوم: شخصیت معلم: به رغم شرکت کنندگان در این پژوهش، انگیزه و اشتیاق، انعطاف‌پذیری و سازگاری می‌تواند به شکل‌گیری مدارس خلق کمک کنند. «هیچ چیزی به اندازه اشتیاق نمی‌تونه کار را به جلو ببرد» (شرکت کننده شماره ۳). «توانایی سازگاری با تغییرات، یکی از کلیدهای موفقیت در دنیای امروز است» (شرکت کننده شماره ۶). «انعطاف‌پذیری به ما این امکان را می‌ده که در مواجهه با چالش‌ها به جستجوی راه‌حل‌های جدید بپردازیم» (شرکت کننده شماره ۱).

مضمون فرعی سوم: ارتباط موثر با دانش آموز: به رغم شرکت کنندگان در این پژوهش، گستره‌ای از همدلی و گفت‌وگوی فعال می‌تواند به شکل‌گیری مدارس خلق کمک کند. «همدلی نه تنها ارتباطات را تقویت می‌کند، بلکه زمینه‌ساز خلاقیت و نوآوری در محیط‌های آموزشی

هستش» (شرکت کننده شماره ۴). «گفت‌وگوی فعال به ما این امکان را می‌دهد تا دیدگاه‌های مختلف را بشنویم و در کنار هم به راه‌حل‌های جدید دست پیدا کنیم» (شرکت کننده شماره ۱۰).

مضمون فرعی چهارم: فرهنگ خلاق در معلم: به رغم شرکت کنندگان در این پژوهش، مشارکت، استقبال از خلاقیت، روحیه پژوهشگری و آزاد اندیشی و عمل می‌توانند به شکل‌گیری مدارس خلق کمک کنند. «خلاقیت تنها یک مهارت نیست، بلکه یک روش زندگی است که می‌تواند کمک کند تا به دنبال راه‌حل‌های جدید باشیم» (شرکت کننده شماره ۲). «مشارکت فعالانه در فرایند یادگیری، کلید موفقیت در هر آموزشی است. هرچه بیشتر با هم کار کنیم، بیشتر به نقاط قوت یکدیگر پی خواهیم برد» (شرکت کننده شماره ۶). «روحیه پژوهشگری همواره نویدبخش کاوش و اکتشاف هست. فقط با پرسش و جستجو می‌تونیم به دانش عمیق‌تری دست پیدا کنیم» (شرکت کننده شماره ۱۰).

مضمون اصلی پنجم: درس خلاقانه: از نگاه مشارکت کنندگان درس نیز ارتباط عمیقی با مدارس خلاق در دوره ابتدایی دارد. مدارس خلاق در دوره ابتدایی به عنوان فضایی برای پرورش تفکر انتقادی و خلاقیت دانش‌آموزان طراحی شده‌اند. این مدارس ضمن ایجاد انگیزه در یادگیری، به دانش‌آموزان کمک می‌کنند تا مهارت‌های حل مسئله و همکاری را توسعه دهند. «در یک محیط خلاق، دانش‌آموزان بیشتر تمایل به مشارکت دارند و احساس مسئولیت بیشتری نسبت به یادگیری خود می‌کنند» (شرکت کننده شماره ۵). «در محیط‌های خلاق، دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که شکست بخشی از فرایند یادگیری است و این به آن‌ها اعتماد به نفس می‌بخشد» (شرکت کننده شماره ۳).

مضمون فرعی اول: اهداف محتوایی درس: به رغم شرکت کنندگان در این پژوهش، ارزش‌های فرهنگی و دینی، ارزش علمی، مهارت افزایی متناسب نیاز حال و آینده می‌توانند به شکل‌گیری مدارس خلق کمک کنند. «فرهنگ، قلب یک جامعه است و بدون شناخت آن، آموزش بی‌معنا خواهد بود» (شرکت کننده شماره ۳). «دین می‌تواند راهنمای اخلاقی آموزگاران و دانش‌آموزان باشد و به آن‌ها کمک کند تا به ارزش‌های انسانی پایبند باشند و همچنین به خلاقیت در شئون کمک می‌کند» (شرکت کننده شماره ۹). «مرزها را باید با دانش جابه‌جا کرد؛ علمی که به انسان‌ها توانایی می‌دهد تا از چالش‌های موجود عبور کنند» (شرکت کننده شماره ۶). «آموزش باید پاسخگو باشد؛ ما نیاز داریم که دانش‌آموزان مهارت‌های قرن ۲۱ را بیاموزند تا در دنیای پیچیده امروز موفق شوند» (شرکت کننده شماره ۵).

مضمون فرعی دوم: فعالیت‌های یاددهی - یادگیری: به رغم شرکت کنندگان در این پژوهش، محرک گرایش‌های فطری (از فعل به قوه)، تعامل خلاق با محیط می‌توانند به شکل‌گیری مدارس خلق کمک کنند. «خلاقیت نوری است که در هر یک از ما وجود دارد، و تنها نیاز به پرورش و فضایی آزاد برای درخشش دارد» (شرکت کننده شماره ۱۰). «تنها با تعامل سازنده و خلاق با محیط اطراف، می‌توانیم نسل آینده‌ای خلاق و نوآور تربیت کنیم» (شرکت کننده شماره ۸). **مضمون فرعی سوم: مواد و منابع آموزشی:** به رغم شرکت کنندگان در این پژوهش، کنفرانس‌ها و سمینارها، مقالات می‌توانند به شکل‌گیری مدارس خلق کمک کنند. «کنفرانس‌ها و سمینارها نه تنها فضایی برای تبادل ایده‌ها فراهم می‌آورند، بلکه می‌توانند به ایجاد انگیزه برای نوآوری در نظام آموزشی منجر شوند» (شرکت کننده شماره ۲). «مقالات علمی، نقشه‌راه‌های جلدی برای یادگیری و آموزش پیشرفته فراهم می‌کنند و می‌توانند به شکل‌گیری مدارس خلق کمک کنند» (شرکت کننده ۷).

مضمون اصلی ششم: فضای مدرسه خلاق: از نگاه مشارکت کنندگان فضای مدرسه خلاق نیز ارتباط عمیقی با مدارس خلاق در دوره ابتدایی دارد. مدارس خلاق در دوره ابتدایی به عنوان مکانی برای پرورش تفکر خلاق و حل مسئله شناخته می‌شوند. در این فضا، نه تنها یادگیری به شکل سنتی صورت نمی‌گیرد بلکه دانش‌آموزان تشویق به کاوش، تجربه و ایجاد ایده‌های جدید می‌شوند. «مدارس خلاق به ما این امکان را می‌دهند که علاوه بر یادگیری دروس، تجربه‌های جدیدی کسب کنیم و خلاقیت‌مان را پرورش دهیم» (شرکت کننده شماره ۱۰). «فضای

خلاق در مدرسه نه تنها به ما کمک می‌کند که درس‌هایمان را بهتر یاد بگیریم، بلکه به ما اجازه می‌دهد تا به تفکر انتقادی و حل مسائل بپردازیم» (شرکت کننده شماره ۳).

مضمون فرعی اول: محیط بصری خلاق: به رغم شرکت کنندگان در این پژوهش، نشاط به شکل‌گیری مدارس خلق کمک کنند. «زمانی که ما در یک محیط شاداب و مثبت قرار داریم، انگیزه‌مان برای یادگیری و ابداع بیشتر می‌شود» (شرکت کننده شماره ۵). «فضای شاداب توانسته است ما را به طور خلاقانه‌تری به موضوعات درسی نزدیک کند و احساس رضایت از یادگیری را در ما ایجاد کند» (شرکت کننده شماره ۱). **مضمون فرعی دوم: شاداب سازی:** به رغم شرکت کنندگان در این پژوهش، نور، رنگ، فضای سبز به شکل‌گیری مدارس خلق کمک کنند. «نور طبیعی باعث می‌شود احساس انرژی بیشتری کنیم و تمرکزمان را در کلاس افزایش می‌دهد» (شرکت کننده شماره ۳). «رنگ‌های شاد و متنوع در فضا به ما کمک می‌کند تا احساس خوشایندی داشته باشیم و خلاقیت‌مان شکوفا شود» (شرکت کننده شماره ۷). «وجود فضای سبز در اطراف مدرسه می‌تواند به کاهش استرس و افزایش انگیزه برای یادگیری کمک کند» (شرکت کننده شماره ۲).

مضمون فرعی سوم: وسعت فیزیکی محیط: به رغم شرکت کنندگان در این پژوهش، فضاهای چند منظوره، محیط‌های حاوی تکنولوژی به شکل‌گیری مدارس خلق کمک کنند. «فضاهای چند منظوره به ما این امکان را می‌دهند که به روش‌های متنوع یادگیری بپردازیم و از آخرین تکنولوژی‌ها بهره ببریم» (شرکت کننده شماره ۹). «محیط‌هایی که دارای تکنولوژی‌های پیشرفته هستند، باعث می‌شوند یادگیری برای ما جذاب‌تر و تعاملی‌تر شود» (شرکت کننده شماره ۳).

بحث و نتیجه‌گیری

این مطالعه با هدف تعیین و تدوین مولفه‌های موثر در سنجش عملکرد مدارس خلاق در دوره‌ی ابتدایی صورت گرفت. در این راستا، مجموعه موضوعاتی با استفاده از تحلیل موضوعی از متن مصاحبه‌های انجام شده با شرکت‌کنندگان استخراج گردید. این موضوعات در قالب شش مضمون اصلی، ۲۱ مضمون فرعی و ۵۶ مفهوم اولیه طبقه‌بندی شدند. پیرامون مضمون اصلی اول «دانش‌آموز خلاق» باید اذعان داشت؛ در اکثر مصاحبه‌های انجام شده، مواردی مانند خلاقیت، انگیزه یادگیری، باورهای شناختی-فکری، رفتاری عملکردی و مزاج عمومی شناختی مطرح شدند. خلاقیت به عنوان اصلی‌ترین عنصر خودی نشان‌دهنده توانایی فرد در ایجاد و تولید ایده‌های نو و حل مسائل به شیوه‌ای ابتکاری است. این ویژگی به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا از قالب‌های معمول فراتر رفته و راه‌حل‌های تازه و موثری برای چالش‌های مختلف بیابند (Widodo et al., 2025). انگیزه یادگیری نیز عاملی کلیدی در خلاقیت دانش‌آموزان است. زمانی که دانش‌آموزان انگیزه بالایی دارند، بیشتر تمایل به کاوش و یادگیری دارند و این خود باعث ارتقاء توانایی‌های خلاق آن‌ها می‌شود. انگیزه می‌تواند ناشی از علاقه فردی، نیاز به موفقیت یا اثرات مثبت محیط آموزشی باشد (Gormley, 2025). باورهای شناختی-فکری و رفتاری نیز بر عملکرد خلاقانه دانش‌آموزان تأثیرگذارند. اگر یک دانش‌آموز به توانایی‌های خود ایمان داشته باشد و بر این باور باشد که می‌تواند خلاق باشد، احتمالاً در فعالیت‌های خلاقانه مشارکت بیشتری خواهد داشت (Xu et al., 2025). مزاج عمومی شناختی نیز به وضعیت روانی و احساسی دانش‌آموزان بازمی‌گردد و می‌تواند تأثیر زیادی بر فرآیند یادگیری و خلاقیت آن‌ها داشته باشد (Song et al., 2025). پیرامون مضمون اصلی دوم «خانواده خلاق» باید اذعان داشت؛ در اکثر مصاحبه‌های انجام شده، مواردی مانند جو عاطفی خانواده، سبک فرزند پروری والدین و نگرش‌های نوین والدین مطرح شدند. خانواده خلاق به عنوان یک واحد اجتماعی تأثیرگذار، ویژگی‌های متعددی دارد که بر روی رشد و پیشرفت اعضای آن تأثیر می‌گذارد. یک جو عاطفی مثبت و حمایتگر به فرزندان این امکان را می‌دهد که خود را به خوبی ابراز کنند و خلاقیت‌های خود را شکوفا

سازند (Januar et al., 2025). به علاوه، سبک فرزندپروری والدین نقش کلیدی در شکل‌گیری ویژگی‌های اخلاقانه فرزندان دارد. والدینی که از سبک‌های تشویقی و مساعدت‌آمیز استفاده می‌کنند، به فرزندان خود اجازه می‌دهند تا تجربه‌های جدیدی را امتحان کنند و خطاهای خود را به عنوان بخشی از فرآیند یادگیری بپذیرند (Muzaki et al., 2025). نگرش‌های نوین والدین نیز به نوعی می‌تواند به خانواده خلاق کمک کند. امروزه والدین بیشتر به اهمیت پرورش مهارت‌های اجتماعی و عاطفی فرزندان خود توجه دارند و سعی می‌کنند با روش‌های نوین، محیطی اخلاقانه‌تر برای آن‌ها فراهم کنند (Mustoip et al., 2024).

پیرامون مضمون اصلی سوم «مدیر خلاق» باید اذعان داشت؛ در اکثر مصاحبه‌های انجام شده، مواردی مانند توسعه خلاقیت در معلمان، نگاه اخلاقانه و سبک مدیریتی مطرح شدند. مدیر خلاق به عنوان یک عنصر کلیدی در موفقیت سازمان‌ها و نهادها، نیازمند ویژگی‌ها و مهارت‌هایی است که به ایجاد محیطی نوآورانه کمک کند. اولین نکته‌ای که در این زمینه باید مورد توجه قرار گیرد، توسعه خلاقیت در معلمان و کارکنان است. مدیران خلاق باید بتوانند فضایی را ایجاد کنند که در آن معلمان احساس آزادی و امنیت برای بیان ایده‌های جدید و نوآورانه داشته باشند. این رویکرد به ارتقاء کیفیت آموزش و یادگیری در کل سازمان کمک خواهد کرد (Barton et al., 2024). سبک مدیریتی نیز نقش بسیار مهمی در به وجود آوردن یک محیط اخلاقانه ایفا می‌کند. مدیران خلاق باید افرادی دموکراتیک و مشارکتی باشند و به دیگران اجازه دهند که در فرآیند تصمیم‌گیری مشارکت داشته باشند. این نوع مدیریت نه تنها به تقویت حس تعلق و مسئولیت در معلمان و کارکنان کمک می‌کند، بلکه باعث می‌شود که آن‌ها احساس کنند که صدا و ایده‌هایشان ارزشمند است (Erwina et al., 2025). پیرامون مضمون اصلی چهارم «معلم خلاق» باید اذعان داشت؛ در اکثر مصاحبه‌های انجام شده، مواردی مانند دانش و مهارت‌های حرفه‌ای، شخصیت معلم، ارتباط موثر با دانش آموز و فرهنگ خلاق در معلم مطرح شدند. موضوع معلم خلاق از جنبه‌های مختلفی قابل بررسی است که هر یک به نوعی بر کیفیت تدریس و یادگیری دانش‌آموزان تاثیرگذار است. یکی از مهم‌ترین این جنبه‌ها، دانش و مهارت‌های حرفه‌ای معلم است. یک معلم خلاق باید تسلط کافی بر موضوعات آموزشی داشته باشد و از روش‌های نوین تدریس بهره ببرد (Peleka et al., 2025). شخصیت معلم نیز عاملی کلیدی در شکل‌گیری محیط یادگیری است. معلمانی که از شخصیت مثبت و انگیزشی برخوردارند، می‌توانند به راحتی اعتماد و احترام دانش‌آموزان را جلب کنند (Osello et al., 2025). ارتباط موثر با دانش‌آموزان نیز از دیگر مولفه‌های مهم است. توانایی برقراری ارتباط مثبت و موثر با هر یک از دانش‌آموزان به معلم کمک می‌کند تا نقاط قوت و ضعف آن‌ها را شناسایی کند و برای هر کدام از آن‌ها برنامه‌ی خاصی طراحی نماید (Song et al., 2025). در نهایت، فرهنگ خلاق در محیط آموزشی نقش بسیار مهمی دارد. معلمانی که فضایی را جهت بروز خلاقیت و ابراز نظرات متفاوت ایجاد می‌کنند، به دانش‌آموزان فرصتی می‌دهند تا ایده‌های جدید را آزمایش کنند و از اشتباهات خود بیاموزند (Gormley, 2025). مضمون اصلی پنجم «درس اخلاقانه» به بررسی و تحلیل ابعاد مختلف تدریس و یادگیری می‌پردازد و اهمیت ویژه‌ای به اهداف آموزشی، فعالیت‌های یاددهی-یادگیری و منابع آموزشی می‌دهد. در این راستا، اهداف محتوایی به معلمان کمک می‌کنند تا انتظارات خود را از دانش‌آموزان مشخص کنند و در انتخاب محتوای آموزشی موثر واقع شوند (Setiani et al., 2025). فعالیت‌های یاددهی-یادگیری، به عنوان مراحل برای تحقق اهداف محتوایی، نقش کلیدی در فرایند درس اخلاقانه دارند. این فعالیت‌ها می‌توانند شامل گروه‌های کوچک، بحث‌های کلاسی، روش‌های تجربی و پروژه‌های گروهی باشند که به دانش‌آموزان این امکان را می‌دهند تا در کنار یادگیری نظری، مهارت‌های عملی و اجتماعی خود را نیز توسعه دهند (Barton et al., 2024). از سوی دیگر، مواد و منابع آموزشی از جمله عوامل کلیدی در موفقیت یک درس اخلاقانه محسوب می‌شوند. انتخاب منابع متناسب با اهداف آموزشی و نیازهای دانش‌آموزان

می‌تواند کیفیت یادگیری را بهبود بخشد (Peleka et al., 2025). پیرامون مضمون اصلی ششم «فضای مدرسه» باید اذعان داشت؛ در اکثر مصاحبه‌های انجام شده، مواردی مانند محیط بصری خلاق، شادب سازی و وسعت فیزیکی محیط ارتباط موثر با دانش آموز و فرهنگ خلاق در معلم مطرح شدند. فضای مدرسه به عنوان محیطی که دانش‌آموزان و معلمان در آن پرورش می‌یابند، نقشی بسیار حیاتی در فرآیند یادگیری و تعلیم ایفا می‌کند. انتخاب رنگ‌ها، طراحی کلاس‌ها و استفاده از آثار هنری و نشانه‌های آموزشی به شکلی هماهنگ می‌تواند احساس تعلق و شادی را در دانش‌آموزان ایجاد کند (Xu et al., 2025). به علاوه، شاداب‌سازی محیط فیزیکی مدرسه یکی دیگر از عوامل کلیدی است. فضاهای بازی، باغ‌ها و مکان‌های استراحت به دانش‌آموزان این امکان را می‌دهند که از فشارهای روانی فاصله گرفته و با انرژی بیشتری به یادگیری بپردازند (Muzaki et al., 2025). علاوه بر این، ارتباط موثر با دانش‌آموزان بستگی زیادی به نحوه‌ی طراحی و سازماندهی محیط مدرسه دارد. معلمان باید در فضایی آرام و حمایت‌کننده فعالیت کنند تا بتوانند به راحتی به نیازهای آموزشی و عاطفی دانش‌آموزان پاسخ دهند (Erwina et al., 2025).

پیرامون محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به عدم حمایت در تأمین بودجه مناسب برای جلب همکاری متخصصان بیشتر و محدودیت زمانی طرح پژوهش اشاره کرد. همچنین تفسیر یافته‌های پژوهش حاضر در بافت فرهنگی و اجتماعی خاص مشارکت‌کنندگان و پژوهشگران این مطالعه معنا پیدا می‌کند، لذا محدودیت‌های روش‌شناختی ایجاب می‌کند از روش دلفی بهره گرفته شود که اجماع نظری عمیق‌تر و وسیع‌تر ایجاد شود. علیرغم محدودیت‌های برشمرده، با توجه به کمبودهای پژوهشی، نزدیکی یافته‌های این مطالعه به تجربه مستقیم متخصصان، امکان درک بهتر موقعیت‌های پویای چالش‌ساز در حیطه آموزش و پرورش خلاق را، به واسطه روایت دست اول فراهم می‌کند. این امر به نوبه خود منجر به رسیدن به یک فهم بافت مدار از آموزش و پرورش خلاق، فارغ از تمایزات میان انواع رویکردهای نظری می‌شود. از آنجا که در این مطالعه مولفه‌های موثر در سنجش عملکرد مدارس خلاق بر طبق تجربه متخصصان این حوزه مورد مطالعه قرار گرفت، لذا پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های بعدی درمورد راهبردهای عملیاتی مدرسه خلاق نیز پژوهش صورت گیرد.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در انجام این پژوهش ما را همراهی کردند تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در تمامی مراحل پژوهش حاضر اصول اخلاقی مرتبط با نشر و انجام پژوهش رعایت گردیده است.

Extended Abstract

Introduction

The elementary education stage is a crucial period in every individual's academic and social development, serving as the foundation for future learning and identity formation. During this time, students encounter new environments, instructional materials, and social experiences that significantly influence their emotional and cognitive growth (Setiani et al., 2025). Consequently, the

quality of education and educational settings during these years must address children's diverse developmental needs (Osello et al., 2025). Creativity emerges as one of the most critical dimensions in this developmental context, encouraging students to think independently, solve problems innovatively, and generate original ideas (Peleka et al., 2025). Creative learning fosters not only cognitive flexibility but also daily life problem-solving skills (Gormley, 2025).

Educational environments that promote creativity offer richer learning experiences and empower children to actualize their potential (Song et al., 2025). The concept of a "creative school" refers to institutions that prioritize nurturing student innovation and creativity through teaching strategies emphasizing active, experiential, and collaborative learning (Erwina et al., 2025). These schools tailor pedagogical methods to students' innate abilities and social dynamics, enabling learners to discover and amplify their strengths through inquiry-based approaches (Xu et al., 2025).

However, assessing the performance of creative schools remains a complex task. Traditional evaluation metrics often fail to capture the nuances of creativity, critical thinking, and intrinsic motivation. Effective evaluation of creative schools requires a set of clearly defined and multidimensional criteria (Muzaki et al., 2025). These include not only students' cognitive achievements but also affective and social-emotional growth, as well as engagement in innovative and collaborative activities (Sliwka et al., 2024). Furthermore, new assessment tools like project-based evaluations, qualitative observations, and oral reflections must be considered, alongside continuous feedback systems for pedagogical enhancement (Senol & Karaca, 2025).

Addressing these multidimensional aspects, this study aimed to determine and formulate key components for evaluating the performance of creative elementary schools. It sought to fill a critical research gap in understanding how creativity manifests in educational settings and how it can be reliably assessed.

Methods and Materials

This study adopted a qualitative methodology using a phenomenological approach to explore the lived experiences and expert perspectives on performance evaluation in creative elementary schools. The study population comprised ten experts selected through purposive sampling with maximum variation, including professionals from education, creativity, psychology, media, and measurement domains, all based in Tehran during the 2023–2024 academic year. Sampling continued until theoretical saturation was achieved.

Data were collected through semi-structured interviews guided by open-ended questions such as, "What elements drive creative teaching and learning?" and "What features of the school environment encourage students to engage in learning innovatively?" Interviews were audio-recorded with participants' consent, each lasting between 40 to 90 minutes.

Data were analyzed using Braun and Clarke's (2019) six-phase thematic analysis approach. This involved transcribing interviews, familiarizing with data, generating initial codes, developing and reviewing themes, defining themes, and producing the final report. NVivo 20 software was used to assist coding and ensure accuracy and traceability. To validate the findings, participant checking and peer debriefing were employed. Three independent experts reviewed the emerging codes and themes to ensure credibility.

Findings

The study identified six major themes, 21 subthemes, and 56 initial concepts as components for evaluating the performance of creative elementary schools. The six main themes were: creative student, creative family, creative principal, creative teacher, creative curriculum, and creative school environment.

Creative Student: This theme included subthemes such as creativity, learning motivation, cognitive-belief systems, functional behavior, and general temperament. Participants highlighted that creative students demonstrate innovative thinking, motivation for learning, and critical reasoning skills. They actively engage in problem-solving and exhibit cognitive flexibility and emotional awareness.

Creative Family: Subthemes here included emotional climate, parenting style, and modern parental attitudes. Participants emphasized that supportive and emotionally warm families foster creative expression. Parenting approaches that encourage exploration and celebrate diversity in learning significantly contribute to a child's creative development.

Creative Principal: This theme included enabling creativity in teachers, having a visionary mindset, and a participatory leadership style. Principals who support professional growth, encourage innovation, and lead with strategic foresight were seen as central to sustaining a creative school culture.

Creative Teacher: Subthemes under this category included professional knowledge, personality traits, effective student communication, and fostering a culture of creativity. Teachers who apply technology innovatively, manage classrooms flexibly, and promote student autonomy and empathy were identified as pivotal.

Creative Curriculum: The curriculum theme incorporated goals of the lesson, learning activities, and educational materials. It emphasized the importance of culturally and scientifically rich content, student-centered pedagogies, and access to varied educational resources like conferences and research articles.

Creative School Environment: This theme included the physical and emotional ambiance of the school, including visual aesthetics, vibrancy, and infrastructural scope. Schools with bright, colorful, and well-equipped environments were described as motivating and conducive to creative learning.

Discussion and Conclusion

This study highlighted the multifaceted nature of evaluating creativity within elementary education and demonstrated that performance assessment in creative schools must encompass more than academic achievement. The results underscored the critical role of student-centered traits such as innovation, motivation, and problem-solving ability, which form the backbone of a creative learner profile.

Equally important is the family's influence, especially through emotionally supportive environments and adaptive parenting styles that align with the needs of a developing child. A creative family dynamic empowers children to take ownership of their learning and grow as independent thinkers. From a leadership perspective, creative principals are not merely administrators but visionaries who cultivate school-wide creativity by enabling teacher growth, setting inspiring goals, and modeling participatory decision-making. Similarly, creative teachers were identified as the linchpins of this ecosystem. Their ability to connect meaningfully with students, innovate pedagogically, and embrace a spirit of exploration drives classroom transformation.

Furthermore, the curriculum must be adaptable and culturally relevant, presenting opportunities for students to apply knowledge in real-life contexts and to engage collaboratively. The school environment, in both its physical and emotional dimensions, was also recognized as a catalyst for learning—when thoughtfully designed, it nurtures students' sense of curiosity, security, and connection.

The comprehensive framework derived from this study offers a roadmap for educational stakeholders aiming to develop assessment tools and practices aligned with the ethos of creative schooling. Despite limitations such as the small sample size and geographic focus, the insights

generated provide a robust foundation for further inquiry and practical application. Future research should investigate how these identified components can be operationalized in teacher training programs and educational policy reform.

Ultimately, this study reinforces the idea that fostering creativity in elementary education is a systemic endeavor—one that begins with visionary leadership, thrives in supportive family structures, is shaped by innovative teaching, and blossoms in an inspiring school environment.

References

- Barton, G., Khosronejad, M., Ryan, M., Kervin, L., & Myhill, D. (2024). Teaching creative writing in primary schools: a systematic review of the literature through the lens of reflexivity. *The Australian Educational Researcher*, 51(4), 1311-1330. <https://doi.org/10.1007/s13384-023-00641-9>
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative research in psychology*, 3(2), 77-101. <https://doi.org/10.1191/1478088706qp063oa>
- Braun, V., & Clarke, V. (2019). Reflecting on reflexive thematic analysis. *Qualitative research in sport, exercise and health*, 11(4), 589-597. <https://doi.org/10.1080/2159676X.2019.1628806>
- Dhany, K. R., & Yulianti, D. (2025). The Prospects and Challenges of STEM-PjBL with Design Thinking Strategies in Enhancing Students' Creativity and Entrepreneurial Thinking in the Context of Plastic Waste Recycling: Teachers' Perspectives. *Jurnal Penelitian Pendidikan Ipa*, 11(1), 28-37. <https://jppipa.unram.ac.id/index.php/jppipa/article/view/9357>
- Erwina, E., Elpisah, E., & Syarifuddin, S. (2025). Influence of Discipline, Character, and Creativity on Noble Behavior in P5 IPAS Grade IV. *International Journal of Social Welfare and Family Law*, 2(2), 36-47. <https://doi.org/10.62951/ijsw.v2i2.307>
- Gormley, K. (2025). Creativity as a transferable concept in arts education curriculum: Synergies and tensions in the Irish context. *Arts Education Policy Review*, 1-13. <https://doi.org/10.1080/10632913.2025.2451808>
- Januar, E., Yati, F. C., Dahliana, D., Ratih, M., Yumna, Y., & Tulljanah, R. (2025). Learning Indonesian Becomes Fun: Creative Exploration with Methods Picture and Picture in Elementary School. *International Journal of Elementary School*, 2(1), 1-10. <https://journal.staisni.ac.id/index.php/ijes/article/view/73>
- Mustoip, S., Lestari, D., & Purwati, R. (2024). Implementation of STEAM Learning Methods to Develop Collaborative and Creative Characters of Elementary School Students. *JPS: Journal of Primary School*, 1(2), 13-20. <https://journal.pusmedia.com/index.php/JPS/article/view/103>
- Muzaki, F. I., Atmoko, A., Santoso, A., Anggraini, A. E., Sutadji, E., & Rufiana, I. S. (2025). Fantasy Story Writing Model for Elementary School Students Phase C. *Cuestiones de Fisioterapia*, 54(3), 2713-2731. <https://cuestionesdefisioterapia.com/index.php/es/article/view/1494>
- Osello, A., Bin, C., Cassis, M., Rimella, N., Stradiotto, E., & Tarantola, G. (2025). *Creativity And Inclusiveness in Elementary Schools With Augmented Reality* (Vol. 41).
- Peleka, P., Stamovlasis, D., & Metallidou, P. (2025). The Impact of Visual Art-Based Educational Interventions on Creativity: A Meta-Analysis. *Creativity Research Journal*, 1-24. <https://doi.org/10.1080/10400419.2025.2457770>
- Şenol, F. B., & Karaca, N. H. (2025). Investigation of the effect of music education programme on preschoolers' motor creativity skills. *Education 3-13*, 53(2), 252-265. <https://doi.org/10.1080/03004279.2023.2172356>
- Setiani, R., Widiasih, W., Suparti, S., Dwikoranto, D., & Bergsma, L. N. (2025). Analysis of Student Creativity Assessment Instruments: Supporting SDGs and MBKM in Higher Education. *IJORER: International Journal of Recent Educational Research*, 6(1), 206-217. <https://doi.org/10.46245/ijorer.v6i1.746>
- Sliwka, A., Klopsch, B., Beigel, J., & Tung, L. (2024). Transformational leadership for deeper learning: shaping innovative school practices for enhanced learning. *Journal of Educational Administration*, 62(1), 103-121. <https://doi.org/10.1108/JEA-03-2023-0049>
- Song, Y., Kim, J., Xing, W., Liu, Z., Li, C., & Oh, H. (2025). Elementary school students' and teachers' perceptions toward creative mathematical writing with Generative AI. *Journal of Research on Technology in Education*, 1-23. <https://doi.org/10.1080/15391523.2025.2455057>

- Thomas, J., & Harden, A. (2008). Methods for the thematic synthesis of qualitative research in systematic reviews. *BMC medical research methodology*, 8, 1-10. <https://doi.org/10.1186/1471-2288-8-45>
- Widodo, R. M., Triwahyuni, E., & Emyus, A. Z. (2025). The Influence of Wordwall Game Media on Students' Creativity and Conceptual Understanding in Elementary Schools. *Jurnal Penelitian Pendidikan Ipa*, 11(1), 828-834. <https://doi.org/10.29303/jppipa.v11i1.10239>
- Xu, S., Reiss, M. J., & Lodge, W. (2025). Comprehensive scientific creativity assessment (C-SCA): A new approach for measuring scientific creativity in secondary school students. *International Journal of Science and Mathematics Education*, 23(2), 293-319. <https://doi.org/10.1007/s10763-024-10469-z>